

زنان کارگر هفت تپه.....	صفحه ۶
به پیش در راه.....	صفحه ۷
جنبش جهانی کارگری.....	صفحه ۱۳
آیا ما با بزرگترین بحران قانون اساسی داریم مواجه می شویم؟.....	صفحه ۱۳
اجلاس جی ۲۰.....	صفحه ۱۳

شانزده آذر

شا نهم آذر روز خیزش بزرگ دانشجویی در دوران سرکوب عمومی پس از کودتای امپریلیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. روزی است که نماینده کودتاگر آمریکا ریچارد نیکسون به تهران می آید تا از همدستان خود محمد رضا پهلوی و آیت الله کاشانی متحدها تاریخی قدرت سیاسی در ایران، قدرانی کند.

دانشجویان بی هراس از مرگ در صحن دانشگاه متحد فریاد می کنند مرگ بر آمریکا ، مرگ بر کودتاگران. در ۱۶ آذر آنها با فدا کردن جان خود نگین سرخ فردا را کاشتند و ما در این شصت و پنج سال شاهد بقیه در صفحه پنجم

از هفت تپه تا پاریس

از هفت تپه تا پاریس حکایت از مبارزه و مقاومت است. در هر دو جا کارگران و زحمتکشان ، گرسنگان و در کلمات انترناسیونال - هیچ بودگان در اعتراض به نظام ستمگران و استثمارگران ، به نظامی که مثنی غاصب و انحصار طلب را صاحب همه چیز کرده است به خیابان ها در آمده اند. فریاد زن و مرد پاریس و شوش ، اهواز و مارسه ی یکی است انگار که کلمات مانیفست حزب کمونیست را مشترک فریاد می کنند که مارکس و انگلس بیش از صد و پنجاه سال پیش نوشتند: کارگران سراسر جهان متحد شوید !

اروپای پیشرفته به اصطلاح متمدن ، با سابقه آنهمه انقلابات پر معنی و معروف همچون انقلاب کبیر فرانسه و تسخیر کمون پاریس توسط پرولتاریا که مارکس در ستایشش آنرا گامی بزرگ در مارش تسخیر جهان تو سط گور بقیه در صفحه پنجم

تحریم ها و وضعیت زندگی در ایران

گران تا ۱۶ هزار تومانی و سپس در مدتی کوتاه با پائین آوردن قیمت دلار به سطح ۱۰ هزار تومان، میلیارد ها دلار را از جیب نه دلان ارز بلکه مردمی که یک عمر برای پس اندازهای خود زحمت کشیده بودند بالا کشید. و در عین خانه خرابی دهها هزار خانواده در ایران قیمت کالاها را آنچنان افزایش داد که یک شبه قدرت خرید ها را تا ۳۰۰ در صد پائین آورده است. آنچه که رژیم جمهوری اسلامی از این سیاست نسبی شده است میلیاردها دلار پولی است که بطور غیر قانونی وارد سیستم دولتی از طریق فروش سکه بقیه در صفحه دوم

در طی بیش از ۴۰ روز گذشته رژیم جمهوری اسلامی با فریب و دوز و کلک های روانی در بازار ارز و با بالا و پائین کشیدن قیمت دلار و دیگر ارزهای موجود . و اعدام دو نفر از صرافان بزرگ بازار ارز ، با یک تیر چندین نشان را هدف قرار داده است. جمهوری اسلامی اولاً سلطه بلامنازع خود را مجددا بر بازار ارز که در حال تلاطم و ناشی از تبلیغات تحریم ها بود تثبیت کرد. دوما هزاران نفر از مردمی را که با تبلیغات فریبنده و تحریم سرمایه های خود را در بازار ارز برای خرید دلار و حفظ سرمایه ها وارد کرده بودند با فروش

به مناسبت روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان

نوع ستم و فشار به زنان و عقب راندن آنان از عرصه های گوناگون جتماعی از درجات گوناگونی برخوردار است ولی، قدرت های جهانی از یک طرف با همکاری ، حمایت و پشتیبانی از مرتجع ترین گروه های اسلامی و تروریستی در کشورهای اسلامی بطور جدی و گسترده ای حق زنان را از بین برده اند و از طرف دیگر با فریبکاری خواهان عدم خشونت بر زنان هستند.

اما مسئله زنان فقط به کشورهای اسلامی و شاخ آفریقا بر نمی گردد. در تمامی جهان از کشورهای متروپل سرمایه داری تا عقب مانده ترین کشورهای تحت سلطه نابرابری در حقوق زن و مرد موجود است فقط درجه این نابرابری متفاوت است. وضع نابرابر زنان در کشورهای تحت سلطه کاملاً آشکار است. ولی آنچه که پوشیده تر است وضع نابرابر زنان و مردان در جوامع پیشرفته سرمایه داری است. بقیه در صفحه سوم

۲۰ سال پیش روز چهارم آذر برابر ۲۵ نوامبر توسط سازمان ملل متحد روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان اعلام شد. ظاهراً کشورهایی که اینطور دلسوزانه علیه خشونت بر زنان موضع می گیرند و قطعنامه صادر می کنند. با سیاست های مرتجعانه شان در دخالت در کشورهای خاورمیانه و شاخ آفریقا فقط در موضوع زنان باعث شدند که مجددا بعد از چند قرن بازار برده فروشی زنان مجددا احیا شود. گروه های دست ساز اسلامی آنها حقوق زنان را به قرون وسطا برگردانند. و این را نه تنها در ایران بلکه در اکثر کشورهای خاورمیانه و آفریقا جلو بردند. در طی این مدت قوانین اسلامی بجای قوانین مدنی که سالها در طی مبارزات سخت زنان بدست آمده بود جایگزین شد. حق زنان در خانواده و اجتماع پایمال شد. نسبت به سطح رشد جنبش زنان و تکامل فرهنگی جوامع نیز



تحریم ها.. بقیه از صفحه اول

و ارز توسط بانک مرکزی ولی توسط دلالتان خصوصی شده است که در حساب و کتاب های دولتی قابل بررسی نیست و از نوع پول هایی است که بطور سنتی در جمهوری اسلامی توسط آقازاده ها و عوامل دولتی بالا کشیده شده و یا در بودجه های سیاست امنیتی و خارجی و غیره صرف می شود. تحریم های آمریکا علیه ایران که بسیار جنایتکارانه طراحی شده است و مستقیما مردم و بویژه فقیرترین آنها را هدف قرار داده است ظاهرا برای تنبیه حکومت ایران در نظر گرفته شده است. اما این نوع تحریم ها که قبلا عراق، لیبی و برخی کشورهای دیگر را هدف قرار داده بود دارای نتایج بس اسفناکی برای مردم این کشورها بود. جهش قیمت کالاهای اساسی از مواد غذایی تا کالایی و بهداشتی از اولیه ترین نتایج این نوع تحریم های امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای مخالف است. مجموع برخوردها و حرکات رژیم جمهوری اسلامی و دولت آمریکا نشان می دهد که هردوی آنها قبل از این جنگ تحریمی از سودهای بادآورده ای برخوردار شده اند. رژیم این پول ها را از قبل دزدی از جیب مردم و دولت آمریکا از قبل فروش اسلحه ناشی از بالا کشیدن تشنج های سیاسی نظامی در خاورمیانه بدست می آورند و هردوی آنها منافع مشخصی را دنبال می کنند. رژیم جمهوری اسلامی بخوبی می داند که در طولانی مدت قادر به پایداری اقتصادی و سیاسی در برابر فشار تحریم های آمریکا نخواهد بود مگر اینکه در سطح بین المللی متحدینی پیدا کند که بتواند با بهره گیری از آنان یا تحریم ها را دور زده و یا آنرا بی اثر کند و نهایتا برای خود زمان بخرد. رژیم بعثت روابط حسنه با چین و روسیه و هند تا حدی در گذشته توانسته است که فشارهای بین المللی بویژه از جانب آمریکا را بی اثر کند. اما این بار وضعیت متفاوت است.

سیاست فشار حداکثری ترامپ نه تنها بر رژیم ایران بلکه بر تقریبا تمامی مخالفین و یا رقبای بین المللی ظاهرا نشان داده است که توانسته است اروپا را به موضع مخالفت بکشانند. اما این رفتاری که اروپا در رابطه با تحریم ها پیش گرفته است و می خواهد با راهکارهای خود بتواند سیاست "مستقل" خود را پیش بگیرد مسئله ای است که احتیاج به کار درازمدت برای ایجاد ساختارهای متعدد بانکی، اقتصادی و..... دارد. در واقع سیاست کنونی اروپا برای

تشکیل کمیسیون مشترک مالی برای ارتباط با ایران، تنها به ایران محدود نخواهد شد و در آینده در برابر آمریکا قد علم خواهد کرد. موضوعی که آمریکا بشدت با آن مخالف است و می داند که این سیاست می تواند در آینده سیاست های تحریمی آمریکا را بدون تأیید اروپا بی اثر کند. اما در حال حاضر اروپا بعثت درهم تنیدگی سرمایه ها در سطح بین المللی و عدم آمادگی مادی قادر به فرار از سیاست های هژمونی طلبانه آمریکا در بسیاری زمینه ها منجمله ارتباط با ایران و دور زدن تحریم ها در مرحله فعلی نیست. معطل کردن اروپا در ایجاد این نهاد مالی هم از همینجا ناشی می شود. در گذشته هم اروپا موضعی همچون آمریکا علیه مخالفین خود اتخاذ نمی کرد بلکه بعد از موضع گیری های آمریکا از آن پشتیبانی می کرد. مخالفت اروپا و سیاست دو دوزه بازی کردن با ایران از شرایط بسیار نااثبات اقتصادی و بحران های اجتماعی اتحادیه اروپا ناشی می شود. آمریکا هنوز حقوق جنگ جهانی دوم را در اروپا برای خود محفوظ می داند در حالیکه کشورهای معظم اروپا و بطور مشخص آلمان و فرانسه تلاش برای خارج شدن از زیر سرکردگی امپریالیسم آمریکا داشته و خواهان نفوذ در بازارهای جهانی بدون ممانعت آمریکا هستند. در واقع پیچیده گی اوضاع امکان مانورهای اقتصادی و سیاسی نه تنها برای آمریکا بلکه ایران هم باز کرده است که در بین قطب های بین المللی مانور دهد اگر چه دامنه این مانورها در مسئله تحریم ها خیلی کارساز نبوده است. با تمام این احوال هنوز زود است که گفته شود ایران زیر فشار آمریکا سرخم خواهد کرد. آنچه که روشن است تحریم های آمریکا تأثیرات سنگینی برای مردم و رژیم جمهوری اسلامی داشته است. این تأثیرات سنگین بر روی مردم با رژیم دارای تفاوت های کاملا بارزی است. مردم با شتاب بسوی فقر و مسکنت بیشتر سوق داده می شوند اما جمهوری اسلامی بعثت تنگناهای بانکی و نفتی دامنه فعالیت های نفوذ در مناطق مختلف، مقابله نظامی و ادامه سیاست هایش در سوریه و یمن و عراق و مشغول کردن آمریکا در خاورمیانه را به مقدار زیادی از دست خواهد داد. از هم اکنون رژیم جمهوری اسلامی مجبور شده است که از دست و دلبازی های بودجه ای دست برداشته و بسیاری از بودجه های نهادهای دولتی و زیر مجموعه دولتی، عمرانی، فرهنگی، خارجی و.... را کاهش داده و یا قطع کند. در شرایطی که رژیم

جمهوری اسلامی هر چه بیشتر مورد نفرت عمومی قرار می گیرد اما مجبور شده است که با تغییر روش ها و سیاست ها سرکوب های گسترده را در دو عرصه شمشیر از رو بستن و برخورد ظاهرا پاسیو با تظاهرات توده ای و اعتراضات، اجتماعی جلو ببرد. این دوسیاست باعث شده است که در عین اینکه امکان مانور رژیم را افزایش دهد ولی اعتراضات اجتماعی با قدرت بیشتری در روی صحنه ظاهر شوند. پروسه نه چندان طولانی در آینده تعیین خواهد کرد که کدام نیروی اجتماعی از اصلاح طلبان حکومتی تا ترامپیست های وطنی و یا نیروی رادیکال چپ و کارگری قادر به قدرت گیری اجتماعی خواهد بود. کاسه صبر مردم لبریز شده است. فقر بشدت گسترش یافته است. بیکاری بصورت گروه های وسیع خیابانی کاملا قابل مشاهده هستند. عقب نشینی های رژیم که کاملا موردی و تحت فشار بوده است نتوانسته است که نه فقر را کاهش دهد و نه جامعه را به لحاظ روانی آرام کند. خلاصه کنیم دیگر تیغ سرکوب رژیم به مردم نمی بُرد. روحانیت و مذهب کاملا شکل تقنسی بودن خود را از دست داده اند و بسیاری از مردم از مذهب فاصله گرفته اند. رژیم اسلامی از دو جانب تحت فشار است یکی از جانب توده های به جان آمده با سمت براندازی دومی از جانب آمریکا برای دست برداشتن از برخی سیاست ها و تسلیم و همکاری با آمریکا. بعثت ترس شدید حاکمین از جنبش های مردمی در بین عناصر و جناح های رژیم اختلافات جدی بر سر مذاکره با آمریکا بخاطر گذار از این مخصصه موجود است. آیا این امکان وجود دارد که روسیه بتواند مشکلات اقتصادی رژیم را حل کند؟ مشکل این جاست که نگاه روانی جامعه به غرب و نگاه سیاسی حاکمیت به شرق است. این نگاه اجتماعی به غرب در طول یک سده شکل گرفته است در حالیکه نگاه سیاسی به شرق توسط حاکمیت جدید در دو الی سه دهه گذشته بوجود آمده است. و این تضاد تقابل نانوشتی ای را بصورت روزمره دامن می زند. تضاد ناشی از تأثیر تقابلات امپریالیستی در جامعه ایران

برای جمهوری اسلامی و اروپا خرید زمان در برابر حفظ اوضاع کنونی به این دلیل که آمریکا در طولانی مدت قادر به فشار مداوم بر رقبای و نیز ایران نخواهد بود. با پائین رفتن قیمت نفت این تنها ایران نیست که



متضرر خواهد شد بلکه کشورهای دیگری هم دچار ضررهای سنگین و کمبود بودجه نفتی خواهند شد که متحد آمریکا به عنوان تولید کننده نفت خواهند بود. همانطور که جمهوری اسلامی با دلار به سرکیسه کردن مردم مشغول است، دولت آمریکا هم با بالا و پائین کشیدن قیمت نفت و دخالت در قیمت گذاری دیگر اقلام مورد احتیاج کشورهای مخالف مشغول سرکیسه کردن آنها و به ویرانی کشیدن اقتصاد آن کشورها است. شرایطی سختی که رژیم جمهوری اسلامی در آن گیر کرده است که یکی از مشکلاتش مسئله تحریم های آمریکا و قیمت نفت و مبادلات مالی بین المللی است. اما بعلمت اینکه رژیم جمهوری اسلامی سالها هر مسئله و مشکلی را که پیش آمده به گردن آمریکا و اسرائیل گذاشته است دچار حکایت آن چوپان دورغویی شده است که وقتی گرگ به گله گوسفندان زد مردم که فکر می کردند چوپان همیشه دورغ می گوید اعتنایی به در خواست کمک چوپان نکردند. جمهوری اسلامی در سال هایی که حداقل حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشت و مردم در فقر بودند گناه فقر و بدبختی مردم را به گردن آمریکا می گذاشت ولی حالا که آمریکا حداکثر فشار را بر این رژیم گذاشته است. مردم دیگر به یک رژیم دزد و دورغو دیگر اطمینان نمی کنند. به همین دلیل حتی رهبران رژیم به این موضوع که مردم دیگر این رژیم را نمی خواهند به صراحت اذغان می کنند.

فشار اقتصادی از یک سو و از دست دادن کامل حداقل مشروعیت رژیم اسلامی توسط اکثریت مردم، باعث رشد و گسترش اعتراضات افسار تخطانی جامعه اعم از کارگران و معلمان، زنان، دانشجویان، روشنفکران و نیروهای سیاسی و.... شده است. رژیم جمهوری همچون بختکی پوسیده در برابر اعتراضات دائمی هر چه بیشتر به طرف مرگ محتوم خود پیش می رود. اما به علت اینکه هنوز آن آلترناتیو مورد اعتماد اکثریت عظیم توده های مردم بوجود نیامده است، احتمال شکست و برگشت ورق به نفع رژیم وجود دارد. در اوضاع حساس کنونی که هنوز مسئله کی بر کی روشن نیست، رژیم در نفرت عظیم توده گیر کرده است و نیروهای بورژوازی در حکومت و اپوزیسیون بی هویت شده اند. وظیفه سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی بر دوش طبقه کارگر تحت رهبری حزب کمونیست است که با درهم شکستن این رژیم قرون وسطائی نقطه پایانی بر یکی از دوره

نیستند یکی از ستون های عمده این مبارزه هستند. جنبش زنان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ایران همراه است با از بین بردن قانون حمایت از خانواده، حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد و پاکسازی های زنان از ادارات و محیط های کار و تولید. رژیم اسلامی مبلغ برده گی جنسی زنان نسبت به شوهران تحت قوانین اسلامی است. جنبش زنان از روز اول هم زیر بار رژیم جمهوری اسلامی و قوانین ضد زنش نرفته است. هزاران زن در خیابان ها توسط ماموران امنیتی رژیم اسلامی طی ۴ دهه گذشته کتک خوردند، مورد تجاوز قرار گرفتن و جرمه شدند ولی زیر بار حجاب اجباری نرفتند. کار به جائی رسیده است که عناصر بالای دولتی هم به شکست رژیم در برابر جنبش زنان و تحمیل حجاب اجباری بارها در مجلس اعتراف کرده و عدم کارایی این سیاست ها را اعلام کرده اند. ولی این به مفهوم آن نیست که رژیم اسلامی از سیاست های ضد زن دست برداشته است بلکه آنها می خواهند از روش های دیگری برای ادامه آنها استفاده کنند. زنان ایران تقریباً در همه عرصه ها رژیم را چالش کشیده اند. بعلمت این که رژیم اسلامی دیگر قادر به سرکوب بیشتر و عقب نشینی به زنان نیست. دست جامعه را در آزار و اذیت و خشونت بر زنان تا حدود زیادی باز گذاشته است. نمونه های آنرا ما در خشونت های خانواده گی، رشد اعتیاد در بین زنان، خشونت های خیابانی توسط عناصر دولتی تحت عنوان تذکر پوشش زنان، اسید پاشی و.... غیره بطور روزمره در جامعه می بینیم.

تعاریف مختلفی برای خشونت شده است که به نظر من تعریف زیر از دیگر تعاریف جامع تر است. «هر رابطه و عملی که باعث تاثیر ناگوار روانی و فیزیکی بر انسان تحمیل شود، خشونت نامیده می شود که ابزاری برای کنترل است» بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، خشونت، رفتاری است برای آسیب رساندن به دیگری و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است.

خشونت مستقیم و غیر مستقیم خشونت دارای انواع اقسام شیوه ها است. از شکنجه، تا عدم تامین امنیت خشونت علیه زنان مسئله ای فردی نیست وقتی قوانین نابرابر اجتماعی نیمی از جامعه را به انسان درجه دوم تبدیل کرده. روشن است که مبارزه برای برابری انسانی در

های سیاه تاریخ ایران بگذارد. طبقه کارگر در دهه گذشته نشان داده است که توانایی مبارزاتی و قدرت اجتماعی کافی را برای این کار دارد. نکته مرکزی کمبود وجود یک حزب کمونیست است که در عین رهبری طبقه کارگر دیگر زحمتکشان جامعه را زیر پرچم خود متحد کرده و به یک آلترناتیو توده ای تبدیل شود. هر تغییری در این اوضاع با نیروهای بورژوازی و یا توسط آنها هیچ دردی از مردم ما درمان نخواهد کرد و وضعیت کنونی را به دوری تکرار وار تاریخی تبدیل خواهد کرد تاریخی که چند دهه یک بار با تغییر رژیم ها در ایران سرکوب ها نیز مجدداً از سر گرفته و جنبش کارگری - کمونیستی را زیر ضرب و سرکوب خواهد گرفت. حتی اگر اعتراضات کنونی به انقلاب دیگری فرا روید بدون نقش رهبری کمونیستی، آنهم با شکست دیگری روبرو خواهد شد. برای جلوگیری از تکرار مضحک دوباره تاریخ باید آستین ها را بالا زد و برای ایجاد حزب کمونیست واحد، مبارزه جدی را علیه فرقه گرایی پراکندگی کمونیست ها به پیش برد. در این راستا و با توجه به شتاب روند تحولات طبقات اجتماعی و شدت گیری مبارزات طبقاتی در ایران آلترناتیوی که برای آزادی و سوسیالیسم می جنگد بی شک تنها آلترناتیو ممکن مترقی خواهد بود.

مهران



به مناسبت روز جهانی... بقیه از صفحه اول

در جوامع متروپل سرمایه داری بسیاری از حقوقی که در جوامع تحت سلطه جزء درخواست حقوق زنان بحساب می آید حل شده است ولی با تمام این احوال زنان با نابرابری حقوق و دستمزد در برابر کار مساوی با مردان مواجه هستند. هنوز در قدرت سیاسی زنان هم در تعداد و نیز در تقسیم قدرت با مردان فاصله زیادی دارند. بطور نمونه بر طبق آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ فقط در ۱۷ کشور جهان زنان در رهبری بوده اند.

در جهان کنونی جنگی تمام عیار طبقاتی بین اردوی کار و زحمت علیه اردوی سرمایه و استثمار و ستم، بین سرمایه و کار جریان دارد زنان به عنوان نیمی از جمعیت بشری و کسانی که حق از برابر انسانی برخوردار



حقوق فردی و اجتماعی به یکی از

بزرگترین در خواست های کل جامعه تبدیل می شود. وقتی آخوندهای حاکم بصورت سیستماتیک آنهم در مجامع عمومی دائما با آوردن آیه و حدیث زنان را تحقیر می کنند. و عقب مانده ترین مردان را علیه حقوق برابر با زنان تحریک می کنند. نتایج آن ، روندی است که در جامعه جریان دارد و شما آنرا در اسید پاشی و قتل های ناموسی به عیان می بینید. زنان علاوه بر خشونت اجتماعی بعزت اینکه از لحاظ فیزیکی بدنی قدرت مردان را ندارند مورد خشونت های مضاعف اجتماعی هم قرار می گیرند مثل کیف زنی ، دست درازی های خیابانی ، متلک های زبانی و....

مقایسه آمارهای طلاق ، گسترش و رشد اعتیاد به مواد مخدر، فحشاء ، درصد درآمد مردان و زنان ، درصد مدیریت بین زنان و مردان جامعه. و بطور کلی موضوع قدرت در نابرابری ، همه از مواردی است که بطور مستقیم به مسئله جوامع مردسالاری ارتباط دارد. خشونت علیه زنان در درجه اول موضوعی مربوط به موضوعی طبقاتی که تاثیراتش را در مناسبات فرهنگی گذاشته است. خشونت محصول مقاومت علیه زورگویی ، ستم و استثمار و برای کنترل شخص مقاومت کننده است. در جامعه مردسالار و ستمگر سرمایه داری مقاومت زنان علیه حقوق نابرابر خشونتی علیه زنان در جهت در هم شکستن این مقاومت به انواع و اقسام شیوه های فیزیکی و روانی در خانه و جامعه صورت می گیرد.

روشن است که خشونت امروزه فقط به صورت فیزیکی آن قابل تعریف نیست. بطور مثال زمانی که زندانی در زندان کتک می خورد نوعی خشونت فیزیکی به وی اعمال می شود ولی وقتی در سلول انفرادی و جدا از دیگران نگاه داری می شود نوعی از شکنجه روانی در رابطه با وی اعمال می شود خشونتی که حتی کسی در برابر نیست. آنکه به زندانی خشونت می کند در جایی نشسته و برایش سیاست می ریزد.

خشونت علیه زنان به دو صورت خشونت فیزیکی ، خشونت روانی و در دو جایگاه خشونت اجتماعی ، خشونت خانوادگی صورت می گیرد.

حتی نگاه فرهنگی هم به زن می تواند نگاهی خشونت گرا باشد به عنوان مثال زن برای تولید مثل ساخته شده ، زن لیافت مدیریت بالای جامعه را ندارد، عدم قبول زنان به مثابه یک انسان کامل ، ارزشمند نبودن زنان ، کم عقلی ،

و....

در جمهوری اسلامی که زنان از حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند. وضع از کشورهای دیگر هم بدتر است. زنان در برابر قانون با مردان برابر نیستند. زنان از حق طلاق برخوردار نیستند مگر با هزار تبصره و شرایط ، در حالیکه مردان از حق داشتن بیش از یک زن برخوردار است. قوانین اسلامی هم به این خشونت و نابرابری کمک کرده است. وقتی قرآن می گوید زنان خود را بزنید و از خود برانید. نگاهی بشدت عقب مانده قرون وسطائی متعلق به دوران برده داری - شبانی دارد که در مناسبات ستمگر و استثمار گر سرمایه داری امروز مطلوب بخش هایی از آن برای رسیدن به اهدافشان در قدرت است.

خشونت علیه زنان فقط فیزیکی نیست. خشونت های روانی

سایت اطلاع رسان مهرخانه در این رابطه در مقاله آمار خشونت بر زنان تهرانی می نویسد انواع خشونت علیه زنان وقتی صحبت از خشونت علیه زنان در محیط خانه می شود، تصویر چشمی کبود شده یا آسیب جسمی جدی بر او در ذهن نقش می بندد. اما خشونت خانگی علیه زنان انواع و مصادیق گوناگونی دارد که تنها یکی از آنها خشونت جسمی است. خشونت جسمی، خشونت جنسی، خشونت روانی و خشونت مالی از جمله انواع این آسیب اجتماعی هستند. در حوزه خشونت خانگی در ایران، تاکنون تنها یک پژوهش ملی در سال ۸۳ تحت عنوان «بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان» از طرف دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، مرکز امور زنان ریاست جمهوری دولت اصلاحات و با همکاری وزارت علوم انجام گرفته است.

دیگر سایت هایی که در این رابطه تحقیقات کرده اند از آمارهای ۷۵ درصد تا ۱۰ درصد در مناطق مختلف آورده اند. نتیجه این تحقیقات آنست که در مناطق با سواد و کمتر مذهبی خشونت بر زنان کمتر است. به این مفهوم عامل مذهب در خشونت خانگی از جمله تعصب مذهبی ، غیرت ناموسی و... نقش برجسته ای دارد البته اساس خشونت بر زنان اساس اقتصادی دارد از جمله فقر ، بیکاری شوهر ، اعتیاد و...

در سطح جهانی بر طبق آمارهای سازمان های بین المللی ژاپن از کمترین خشونت علیه زنان و بنگلادش دارای بیشترین خشونت می باشند. سطح ثروت ، درک بالای فرهنگی از مسئله زنان و بالاخره قوانین حمایتی از حقوق برابر باعث کاهش و صرفا کاهش این

خشونت در جوامع سرمایه داری شده است. دلیل پایه ای خشونت علیه زنان ناشی از نابرابری حقوق اجتماعی و خانوادگی بین زن و مرد است. این نابرابری در طول تاریخ جوامع طبقاتی موجود بوده است و تکامل جوامع تا زمانیکه زنان از محیط بسته خانه پا به بیرون نگذاشتند و در عرصه های مختلف اجتماعی دست به کار و فعالیت نزدند بسیار شدید و غیر انسانی بود. قدرت گیری زنان ناشی از نقش در کار و تولید در جامعه باعث شد که نابرابری زنان تا حدودی تعدیل شود ولی هنوز در هیچ کجای دنیا حقوق برابر زن و مرد وجود ندارد. جوامعی که سعی کردند که به سوسیالیسم نزدیک شوند به درجات بسیار پیشرفته تری به حقوق برابر زن و مرد نزدیک شدند که با فروپاشی آنها حقوق زنان نیز دچار فروپاشی شد و یا به عقب رانده شد.

برخی محققین راهکارهای مختلفی را برای کاهش این مشکل اجتماعی ارائه کرده اند که از جمله است تغییر قوانین قضائی و حقوقی ، برنامه ریزی های فرهنگی ، آموزشی ، جنسی و غیره، روشن است که کار فرهنگی و تعدیل قانون به نفع زنان مقدار و در صد خشونت را کاهش خواهد داد. ولی بحث در این مورد کاملا بی فایده است اگر به مینا ها و پایه های طبقاتی و قوانین اساسی جامعه را که متکی بر نابرابری زن و مرد است را در نظر بگیریم و نسخه هایی را بیچیم که فقط مسکنی بر درد خشونت بر زنان است. جامعه طبقاتی اشکال جدیدی از استثمار و ستم بوجود آورده است. از جمله خشونت بر زنان که اشکال پیچیده تری به خود گرفته است و فقط با از بین رفتن جامعه طبقاتی است که ستم از جامعه انسانی رخت برخواهد بست. رهای انسان بدون رهایی زنان از سیستم مردسالاری امکان پذیر نیست.

سوسیالیسم به درجات زیادی مبارزه طبقاتی و وجود طبقات را بطرف انهدام جلو می برد و با از بین رفتن طبقات ستم و استثمار انسان بر انسان از جمله مرد بر زن از بین خواهد رفت البته برخی مسائل طبقاتی فقط با قوانین اساسی از بین نرفته و به کار فرهنگی و تربیتی طولانی احتیاج دارد که یکی از آنان مسئله برابری زن و مرد است.

ع.غ





شانزده آذر... بقیه از صفحه اول

مبارزات پیوسته ی نسل اندر نسل دانشجویان بودیم. کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی ۱۶ آذر را به روز تاریخی دانشجویی تبدیل کرد و نام پر افتخار این روز را بر روی نشریه خود گذاشت. جنبش دانشجویی در زمان جمهوری اسلامی چندین بار زیر سرکوب و یورش های گسترده حزب الله و نیروهای امنیتی و کشتار قرار گرفته است. روند ایزوله شدن رژیم در میان توده ها بدون حضور فعال دانشجویان و روشنفکران و مبارزات آنان امکان پذیر نبود. بسیاری از اعضای سازمان های چپ و انقلابی از دانشگاه ها آمده بودند و آنها نیروی فکری عظیمی در خدمت مبارزه برای آزادی و رهایی در جامعه ایران هستند امروز که پس از خیزش انقلابی دیمه ۹۶، در صد شهر ایران که روند مبارزات کارگری و توده های عظیم به جریان اصلی تغییر تبدیل شده است، جنبش دانشجویی که در این صد سال گذشته متعلق به ارودی کار، واز لحاظ گرایش عقیدتی متأثر از کمونیسم و برضد متافیزیک بوده امروز سمت سوی تاریخی خود را با درایت تر از گذشته دنبال می کند و شعارش تا حد ما فرزندان کارگران عمق یافته است. در این شصت و پنج سال سیمای عمومی جنبش دانشجویی هم بسیار تغییر کرده است. کمیت آن که در آستانه انقلاب ۵۷ صدو چهل هزار بود امروز سر به پنج میلیون زده است، زنان که در آن زمان اقلیت کوچکی بودند امروز اکثریت را تشکیل می دهند. علاوه براینکه فرزندان اقشار پایین جامعه هم با در صد بالایی در میان آنها می باشند. رژیم اسلامی ممکن است با کشتار، سرکوب و بگیر ببند بطور موقت جلوی گسترش سازماندهی نیروهای مترقی جا معه را بگیرد اما در زمینه فرهنگی در برابر این لشکر عظیم دانشجویی با شکست کامل برو شده است. امروز دانشجویان ایران طبق ارزیابی های موجود یکی از سکولار ترین ترکیب جوامع خاورمیانه می باشند. استفاده از وسایل رسانه ای مدرن و دیجیتالی در ردیف یکم منطقه قرار دارند. بنا براین بذری که دانشجویان در شانزده آذر کاشتند امروز ثمره اش دیده می شود. آنها بی شک نقش مهمی در اوضاع کنونی جامعه بازی خواهند کرد طی بیش از ۶۰ سال از تاریخ این قتل وحشیانه دانشجویان و مبارزاتی که بارها

علاوه بر به هلاکت رساندن دانشجویان در دانشگاه ها، شهرها، زندانها و اعدامها توسط سلطنت طلبان، مذهبیون اعم از اصولگرایان و اصلاح طلبان، سکولارها، ملی گراها و... همراه با رشد مبارزاتی هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان دانشجویان نه تنها در شرکت در مبارزات توده های زحمت کش بلکه در پیوند یافتن هرچه بیشتر دانشجویان در صف مبارزاتی کارگران و زحمت کشان شرکت داشته و برای رهایی توده های کارگر و زحمت کش نقش فعالی ایفا کرده اند. خیزش و آگاهی یافتن هر چه بیشتر طبقه کارگر و پیشروان آن شرایط را برای پیوند جنبش دانشجویی به جنبش کارگری را میسر کرده است. **پیش بسوی پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توفند و قدرتمند کارگری** **گرامی باد یاد دانشجویان مبارز به خون خفته آزادیخواه و انقلابی!** **سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی** **شانزده آذر ۱۳۹۷** **حزب رنجبران ایران**



از هفت تپه تا پاریس... بقیه از صفحه اول

ای در بدر و ویلان، جمعی در پی اسکندری اما اکثریت عظیمی در پی سازماندهی، متشکل شدن و تدارک برای تغییری بسود کارگران و تهیدستان آمده می کند. با اینکه مردمان دو کشور یکی در سال ۱۷۸۹ و دیگر در سال ۱۹۰۷ انقلاب را به پیروزی رساندند و ایران صد و بیست سال بعد فرمان مشروطیت را تازه با تمام نواقصش از دست پادشاهش گرفت اما امروز توده های عظیم مردمانش در مبارزه ای مشترک و با محتوای یکسان ضد نظام غارتگر سرمایه داری مبارزه می کنند. این واقعیت تاریخی که توسط مارکس در تحلیل خود از روند سرمایه داری نشان داد همچون معجزه های جلوه می کند اما در واقع نشان میدهد که کمونیسم علمی بر پایه های استواری بنا شده که بکاربرد درست قوانینش، انسان های مسلح به آنرا به تحلیل گران راستین گذار جوامع طبقاتی کنونی تبدیل می کند. امروز با دیروز زمان مارکس تغییرات عظیمی رخ داده است، سرمایه داری جهانی شده، استعمار کهن سراسر برانداخته شده اما قوانین اساسی سرمایه داری که مارکس برای اولین بار در تاریخ بدست داد همچنان معتبر باقی مانده است. قانون ارزش اضافی همچنان اساسی ترین شیوه ی استثمار انسان از انسان است با اینکه در کیفیت و کمیت انباشت سرمایه و سازمان های آن تغییرات اساسی صورت گرفته است اما طبقه کارگر همچنان استثمار می شود، منافعش همچنان در تضاد با منافع سرمایه دار قرار دارد. در این سال های طولانی مبارزه که منطق مرتجعان و سرمایه داران سرکوب، زندان، شکنجه، جنگ همراه با پراکندن خرافات و دین و ایدئولوژی کاذب بورژوازی بوده است متأسفانه توانسته مقاومت ها، قیام ها، شورش ها و حتی انقلابات توده های عظیم مردم را در هم شکند و جهان را همچنان در چنگال پر جراحت و خونینش اسیر نگهدارد. اما منطق مردم بنابر شرایط اجتماعی شان مقاومت و مبارزه بوده است. این قانون سترگ مبارزه طبقاتی است که منطق آن مقاومت و مبارزه است و چون در دوران نوین تاریخی تجربه مبارزه را به درستی جمع بندی کرده اند امروز این طبقه با داشتن پیشرفته ترین تئوری ها که بر سنگ خارا ی مبارزات پیروزی ها و شکستها حک شده است به نیروی کمی عظیمی تبدیل شده که بی شک در آخرین نبرد های انقلابی اش برای همیشه بنیاد جهان نوینی را فرو خواهد ریخت.



زنان کارگر هفت تپه

چه شعف آور است که در دورانی زندگی می کنیم و در منطقه ای آشنا کارگران زن همچنان برای تغییر بزرگ، برای رهایی و برابری مبارزه می کنند. زنانش نه تنها سها مدار و شریک و همراه این کاروان نستوه در طول راه دراز و سخت بوده اند بلکه امروز به جزوی جدا ناپذیر از گردان پیشرو و پیشتاز آن تبدیل شده اند.

زنان کارگر هفت تپه در یک لحظه حساس مبارزه مرگ و زندگی کارگران در حال اعتصاب و اعتراض، در زمانی که قلب میلیون ها انسان هواداران کارگران هفت تپه از اقصا نقاط ایران و دنیا با آنها می تپید و در شرایط سخت و در زیر فشار امنیتی رژیم جنایتکار و ضد کارگری مبارزه ادامه می یافت و شعار اداره شورایی مورد زباند و پشتیبانی کارگران سراسر ایران قرار می گرفت، زنان کارگر هفت تپه درخشیدند. آنها ادامه دهندگان زنان مبارز پیشین آزادی خواه بیش از صد سال گذشته بودند که از جنبش تنباکو به میدان آمدند؛ در انقلاب مشروطیت به ستونی استوار در پشتیبانی از مشروطه خواهان برخاستند و با شکل گیری جنبش بزرگ سوسیال دموکراسی و کمونیستی در ایران جمعی و متشکل پا به پای مردان جنگیدند. اینبار در هفت تپه یک تغییر بزرگ طبقاتی دیده می شود، از نوع تغییری که در کردستان سوریه رخ داد - زنان ستم دیده از طبقات پایین جامعه به خود اداری قدرت سیاسی کسب شده از لوله تفنگ پرداختند. اما در اینجا ما با پدیده ای نوین روبرو شدیم، زنانی کارگر، از گردان مشترک کارگران، در قلب منطقه ای بزرگ خوزستان سرزمین نفت، سرزمین قشون کشی های انگلیسها و مقاومت های مردمانش تا آخر، سرزمین ملیت ها و اقوام مختلف، در میان کارگرانی متحد و یکپارچه، با انتخاب دموکراتیک در شورایی اداره کننده که زنان کارگر هم انتخاب شده اند. این یک واقعه ای تاریخی است که پرولتاری ایران، پرولتاریایی که زمانی فرزندانش اولین حزب کمونیست جهان نیمه مستعمره را صد سال پیش در بندر انزلی بنیاد نهادند و اولین قدرت سیاسی را بنام شوروی ایران در گیلان با اتحاد بادیگر نیروهای مترقی زمانه مستقر کردند چنین اتفاقی افتاد. بگذار نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی و عناصر اعتصاب شکن فرصت طلب به خود بلرزند و انگشت تعجب به دهان گیرند. جنبش عظیم کارگری ایران بعنوان یک بدیل سیاسی مستقل از دیماه ۹۶ هر روز نیرومند

تر می شود. شرکت زنان کارگر و خانواده های آنها تغییری است بس بزرگ که نیمی از جان را به لشکر زحمتکشان کشانده است. کمونیسم علمی به ما می آموزد تاریخ و تکامل تاریخی بریده بریده صورت نگرفته، نواریست پیوسته بر بستر مبارزه ی طبقاتی و در دوران ما مبارزه ایست میان دو طبقه کارگران و سرمایه داران. تاریخ را تا به حال به دروغ به نام خدا و شاه و شیخ نوشته اند. نقش داهیانه مارکس در این بود که نشان داد تاریخ را توده ها ساخته اند اما تاریخ نویسان متافزیک آنرا به نام شاهان ثبت کرده اند. در این دو ماهه نه تنها در سراسر ایران بلکه در سراسر دنیا نوار سخنرانی زنان هفت تپه شنیده شده است. به شکرانه وجود تشکلات همبستگی با جنبش کارگری ایران و احزاب و سازمان های سوسیالیستی و چپ صدای هفت تپه ای ها جهانی شده و مبارزه برای آزادی زندانیان هفت تپه به یک کارزار وسیع و متحد تبدیل گردید. سخنان و فریاد های زنان کارگر هفت تپه نشانی از پیوند تاریخی طبقه کارگر است و سیمای جهان آینده را ترسیم می کند.

نظام سرمایه داری، ستم به زن را بنابر ماهیت خود در همه شئون زندگی به غایت رساند و رژیم اسلامی ایران با بکار برد ارتجاعی ترین اندیشه های زن ستیزی بر این ستمگری دو چندان افزود.

اما امر بد را توده های میلیونی زنان ایران به امر خوب تبدیل کردند. در همان ماه اول وجود نحس و بد خیم جمهوری اسلامی بر خاستند و پرده خدعه ی رهبر جمهوری اسلامی با خیزش خود علیه فرمان حجاب خمینی کنار زدند. از آن زمان تا بحال چهار دهه همچنان در پیشاپیش صفوف مبارزات مردم قرار داشته اند.

بذر بیش از صد سال مبارزه کمونیست ها در سازماندهی تشکلات کارگری، بذر بیش از صد سال آموزش های سندیکایی، بذر دانه های اولیه محفل های سواد آموزی به کارگران زن، بذر شرکت زنان در رهبری های احزاب و سازمان های انقلابی چپ، بذر ایستادگی های تا آخر زنان کمونیست در دوران شاه و در دوران چهل ساله ی جمهوری اسلامی زن ستیز بار آور شده است. البته سنت پدر سا لاری هنوز در میان مردان کارگر و کمونیست از ریشه کنده نشده است ولی ناقوس مرگ چنین عادت قرون وسطایی به صدا در آمده است. به استقبال درخشیدن باز هم بیشتر کارگران زن رویم.

وفا جاسمی



در ایران ما طبقه کارگر بیش از صد سال است هوشیار و آگاه با همراه پیشروان انقلابی اش در نبرهای پی در پی بغرنج، سخت در گیر بوده است. امروز آگاهتر از هر زمان دیگر با داشتن لشکری از ادامه دهندگان راه گلگون شده ی پیشقروان طبقاتی اش روی یکی شدن کلیه نیرو های پیشرو خود در یک حزب متحد سیاسی انقلابی مسلح به کمونیسم علمی پافشاری دارد، امروز فریاد چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است در سراسر ایران پیچیده است و نیروی عظیم کار و زحمت می رود که با تمام ویژگی های منطقه ای اتحادی سراسری را در اشکال متنوع و طبق شرایط مشخص بوجود آورد و بر جسته اینکه امروز پرولتاریای ایران پرچم اتحاد بزرگ فروستان و زحمتکشان در سطح کشوری به عنوان بدیل اجتماعی بلند کرده و مشی سیاسی طبقاتی خود را با نه گفتن به رژیم جمهوری اسلامی و نه گفتن به دخالت ترامپ و امپریالیسم روشن کرده است. در اینجا باید از خدمت بزرگ شاهرخ زمانی یاد کرد که به درستی این مسیر تاریخی را در نوشته هایش ترسیم کرده و جان خود را بی دریغ در این راه فدا کرده است. او در با درایت کامل ضمن تاکید روی ایجاد حزب انقلابی پیشرو طبقه کارگر، ضمن تاکید روی ایجاد تشکلات متحد کارگری و ضمن انگشت گذاشتن روی اتحاد معلمان، پرستاران، دانشجویان در پیوند با طبقه کارگر مصرانه آگاهی می دهد که در این مسیر مبارزه علیه فرصت طلبانی که در لباس میش خود را دوستداران طبقه کارگر معرفی می کنند فراموش نشود. ما در این چند ماهه بخوبی این هشدار شا هر خ زمانی را تجربه کردیم چه در مبارزه ی سندیکای اتوبوس رانی تهران و چه در هفت تپه. ر.دیل



**بجز نوشته هایی که با
امضای تحریریه منتشر
می گردد و بیانگر نظرات
حزب رنجبران ایران می
باشد،**

**دیگر نوشته های مندرج در
نشریه رنجبر به امضا های
فردی است و مسئولیت آنها
با نویسندگانشان می باشد.**

هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید



به پیش در راه

به پیش برای جلب نظر اکثریت عظیم مردم ایران به راه کارگران، به راه دموکراسی و اداره ی شورایی

صد سال مبارزه طبقه کارگر برای پیاده کردن برنامه سیاسی اش که همان سوسیالیسم است امروز تبلور خود را در اعتصابات و اعتراضات عمومی کارگران و هر چه بیشتر در شعار های جنبش های توده ای دیده می شود

صد سال مبارزه ی طبقه کارگر ایران با خاستگاه های متفاوت ملی و مذهبی و دینی، در صفی متحد با تمام سختی ها و بغرنجی ها دارد بار ورمی شود. در عین حال جهشی است تاریخی در جنبش چپ و کمونیست ایران که چنانچه یکی شود و از فرقه گرایی دست بردارد بی شک امکان می یابد که بعنوان بدیلی کارگری در صحنه سیاسی کنونی که براندازی رژیم جمهوری اسلامی در دستور عملی اکثریت عظیم مردم قرار گرفته است، به تسلط طولانی بورژوازی ایران که چرک و خون از پنجه هایش می چکد خاتمه دهد.

در این صد سال طبقه کارگر و حامیان آن همیشه در مبارزه علیه طبقات حاکم استثمارگر بوده است. در اینجا گذرا روی سه امر سازماندهی اساسی که همچنان جزو ضرورات هستند انگشت می گذاریم:

۱- صد سال سازماندهی سیاسی برای ایجاد حزبی از نوع بلشویکی

۲- صد سال مبارزه برای سازماندهی تشکیلات مستقل کارگری بدور از سرمایه داران و تشکیلات وابسته به سندیکا های دولتی و امپریالیستی

۳- صد سال تلاش برای ایجاد وحدتی میان توده های وسیع استثمار شده و ستمدیده، ایجاد اتحادی شکست ناپذیر میان کلیه مزد بگیران و برقراری کشوری شورایی

در این صد ساله تغییرات بس بزرگی در جهان، منطقه و ایران بوجود آمده است. جنگ ها یی بس سهمگین بر اثر رقابت سرمایه داری و انحصارات بر پا شده، انقلاب هایی به پیروزی رسیده و شکست خورده و نظام سرمایه داری همچنان به گسترش و جهان گرایی خود ادامه داده است. نتیجه این صد سال تغییر و مبارزه را می توان چنین بر آورد کرد:

در جبهه ی سرمایه :

انباشت سرمایه همچنان با استثمار بیشتر کارگران و باغارت بازهم بیشتر کشور های پیرامونی در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین ادامه یافته است و امروز سرمایه مالی در راس کل نظام سرمایه انحصاری جهانی نشسته است.

در جبهه ی کارگری :

قوانین آهنگین نظام سرمایه داری همچنان در کار بوده و با هر گام تجاوزگر سرمایه، گورکنان خود را بوجود آورده است. امروز اکثریت عظیم مردم جهان به بردگان سرمایه در موسسات پیشرفته کار با تنوع های گوناگون در خدمت سیاست ها جهانی سرمایه مالی مشغول اند. تمرکز تولید از بخش شمالی کره زمین به نیمه جنوبی آن منتقل شده است اگر جنوب آسیا، چین، هند، بنگلادش، پاکستان، ایران، ترکیه و مصر را به یک کمربند متصل کارگری بشمار آوریم بزرگترین تمرکز نیروی کار بوجود آمده است.

در این صف آرای طبقاتی جهانی کی بر کی است و چگونه در این جهان سراسر پر ز آشوب که سرمایه داری انحصاری مالی بوجود آورده و بحران ساختارش هر روز عمیق تر و شکننده تر می شود باید برای تغییر و به سرانجام رساندن رسالت تاریخی و انقلابی پرولتاریا کار کرد. آیا همچنان این میلیارد ها انسان تولید کننده، به زندگی خفت بار خود ادامه خواهند داد؟ آیا این رقابت گنج کننده میان قدرت های بزرگ و قدرت های نیمه بزرگ و کوچک که برای سهم بیشتر روی صحنه سیاسی منطقه ای آمده اند و بر اثر ضعف نسبی خود مجبورند در جدال های جهانی خود را به این یا ابر قدرت بچسباندند جنگ دیگری را بر پا خواهند کرد؟

پاسخ به پرسش ها طبعن طبقاتی است و هر طبقه ای طبق منافع، جهانی نیست، سبک کار خود به این واقعیات پاسخ خواهد داد.

ترامپ همچنان بر این باور است که نژاد سفید و دین مسیح با فرقه وانگلیش آن رسالت برتری بر جهان را بر عهده دارد و سرمایه همراه آن می تواند یک آمریکایی برای همیشه بر تر در جهان بوجود آورد و قرن بیست و یکم هم مثل قرن بیستم، قرن آمریکا باشد. در برابر این تعرض اروپا، روسیه و چین مقاومت می کنند.

در منطقه استراتژیکی ما هم این رقابت ها بازتابی شکننده تر داشته و ویرانی عظیمی را در سراسر منطقه بوجود آورده است. خامنه ای، اردوغان و سلمان هم که مدعی صاحبان تاریخ امپراتوری های دوران

باستان و قرون وسطایی اند این روز ها خلیفه گری بر جهان پهناور اسلامی را طلب می کنند و خیزش سرمایه داری تازه پا گرفته کشور های خود را در زیر پوشش اسلامی به جلو می رانند و ما شاهد سیاست های ارتجاعی قرون وسطایی داخلی این حاکمان هستیم و تجاوزگری در بیرون مرز هایشان. عملکردی که توده های وسیع مردم علیه شان شورانده و در ایران بطور آشکار آنرا مشاهده می کنیم. از دید طبقاتی و از منافی طبقه کارگر چون نیک بنگری اوضاع تغییر یافته با تمام اینکه همان وظایف باقی مانده اند خوبست و شرایط برای تحقق آنها بهتر شده است. اوضاع خوب است و هر روز به سود توده ها بهتر می شود. دوران تاریخی انقلابات کارگری همچنان باقی مانده است و وظیفه بشریت متری تحقق این رسالت طبقاتی کارگریست که نظام سراپا جنایت سرمایه را از بیخ و بن و در سراسر جهان بر اندازد و طبق شرایط مشخص هر کشور، هر ملت و هر قومی دنیایی بدون ستم، تبعیض و استثمار انسان از انسان بر پا سازد. باید بار دیگر آرمان خواهی انقلابی را همراه با تجربه صد سال گذشته زنده کرد و علیه نفی گرایی خرده بورژوازی سست بنیاد که با اولین مشکلات به کل جنبش پشت و روش انحلال طلبی و فرد گرایی را پیشه کردند، قاطعانه مبارزه کرد.

در این اوضاع خوب چه باید کرد پاسخ همان است که کمونیست ها در اولین نشست حزب کمونیست ایران صد سال پیش دادند. حزب، تشکیلات مستقل سراسری کارگری و ایجاد وسیع ترین اتحاد توده ای یکم

باید ایجاد یک ستاد نیرومند پیشرو پرولتاریایی را در مرکز وظایف قرارداد آنرا با وظایف ضروری دیگر که به این امر خدمت می کند تکمیل کرد. صد سال مبارزه ی متشکل کارگران ایران و انقلابیون سوسیالیستی و کمونیستی شرایط را برای به سرانجام رساندن چنین وظیفه ای را بس فراهم ساخته است. پرولتاریای پیشرو ایران در این صد ساله تجارب زیادی را در مبارزه با دشمنانش بدست آورده است. از لحاظ خط مشی در درونش مبارزه ایدئولوژیک لا ینقطع ادامه داشته. از لحاظ راه و روش مبارزاتی چون با دشمنان قهار و سرکوبگری رو برو بوده، در جریان مبارزه درس آموخته است. پرولتاریای ایران از اولین طبقه ای بودند که در بیرون از اروپا حزب کمونیست خود را بوجود آوردند، موفق شدند در همان آغاز ستون

نان، کار، آزادی، اداره شورایی



فقرات حزب را در میان کارگران بنا نهند و در اتحاد با دیگر نیرو ها اولین قدرت سیاسی شورایی را در گیلان بر پا سازند. سازمان نیرومند مخفی افسری در ارتش ایران یکی از نادرترین سازماندهی های کمونیست ها در جهان در زمان خود بوده است . در این صد سال هیچ جنبشی را نمی توان از میان نیروهای مترقی نام برد که چپ ها در بیرونش نشسته باشند . پراکندگی نیروهای چپ و کمونیست در عین حال که یکی از ضعف های این جنبش به حساب می آید ولی حکایت از قدرت آنها هست که با تمام سرکوب های طولانی ، با تمام پشتیبانی های ضد کمونیستی جهانی حکومت های ایران ، با تمام انشاق های بزرگ در جنبش کارگری جهان امروز ده ها حزب و سازمان چپ و کمونیستی فعالانه به اشکال مختلف در فعالیتند و فرو ریختن دیوار برلین باز هم چپ و کمونیست های ایران با جمع بندی با درایت تر از گذشته به مبارزه ادامه می دهند . بی شک با رشد مستقل جنبش کارگری و آبدیده شدن نیروهای جوان کارگری در مبارزات عملی ، نقش خود طبقه در از بین بردن این پراکندگی ها هر روز بیشتر می شود و فعالین کارگری و پیشروان آگاه کمونیستی در جنبش کنونی کارگری بر خواهند خاست و ایجاد زمینه های یکی شدن نیروهای پراکنده کنونی به این کمبود و منفی جنبش پاسخ خواهند داد. در صفوف کارگران شاهرخ زمانی ها در حال بر خاستند. نوشته های او اساس یک حرکت متشکل کننده و وحدت طلبانه است. بر همه ی تشکلهای موجود که رو به طبقه کارگر ایران دارند واجب است امر یکی شدن در حزبی واحد بر اساس پراتیک به روز خود طبقه کارگر ایران که شاهرخ نمونه خوبی است هر روز بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. شاهرخ زمانی با تمام مشکلاتی که در زندان داشته با خون خود نکات اساسی یک پلاتفرم وحدت را نوشته و جان خود را در این راه فدا کرده است. دوران تشکیلات جبهه واحدی و ژله ای چپ و کمونیستی به پایان رسیده است دیگر با تشکیلاتن موزاییکی و ژله ای نمی توان به وظایف سنگین طبقاتی جاری که طبقه کارگر و توده های وسیع مردم ایران با آن روبرو هستند به درستی پاسخ داد. کمونیست ها یکبار در سال ۵۷ بر اثر پراکندگی و اختلاف از دشمنان طبقاتی خود ضربه خوردند و اینبار باید از آن درس بگیرند و در انقلاب در حال جاری شدن متحد ن شرکت کنند. هیچ منافعی نباید جلو این

وظیفه سترگ طبقاتی را بگیرد. رشد عظیم جنبش طبقه کارگر ایران ضرورت این یکی شدن را دوچندان کرده است. در این چند ماه اخیر ما شاهد نقش منفی برخی گرایش های سیاسی گوناگون در تشکلهای چپ در مبارزات کارگری بوده ایم.

دوم وظیفه با لا تنها با پیشبرد وظایف ضروری دیگری است که تکمیل می شود و در عمل قابل تحقق می باشد. جنبش کارگری کنونی بستر اساسی حزب سازی و ایجاد حزب یکی شده ی کمونیستی است که در کوران همین مبارزه تکامل می یابد و آبدیده می شود. کادر کمونیستی را در همین جنبش است که می توان پروراند. بنابراین بسط و توسعه جنبش کارگری ، تلاش همه جانبه برای وحدت تشکلهای مستقل کارگری وظیفه ایست در مقابل همه چپ و کمونیستها . این دریای عظیمی است که چپ و کمونیست ها باید شنا کردن را بیاموزند. بدون وجود کادر های کارگری بعنوان استخوان بندی تشکیلات کمونیستی تحت شرایط سخت کنونی ضد کمونیستی در ایران نمی توان به بقای تشکلات سیاسی درون جنبش کارگری اطمینان یافت. باز هم ما در اینجا با آموزش های مشخص شاهرخ زمانی روبرو هستیم که خود در پراتیک توانسته بود کارمخفی حزب سازی را با کار علنی توده ای در تشکلات کارگری تلفیق دهد. امروز ما در ایران خوشبختانه به دلیل پافشاری و از خود گذشتگی های فعالان کارگری ، آگاهی با لای آنها از بغرنجی مبارزات طبقاتی جاری و پیروی از سبک کار طبق شرایط کنونی ایران و مهتر توانایی در درک واقعی توازن قوا در صحنه مبارزه این جنبش همچنان در حال گسترش و رشد است و به منبع الهام و نیرو برای کمونیستها است.

سوم اتحاد ، همبستگی و همسویی کلیه نیروهایی است که می توان به گرد برنامه سیاسی طبقه کارگر جمع کرد. این کار با اینکه تنها باوجود یک حزب متحد و متشکل انقلابی پیشرو طبقه کارگر امکان پذیر است اما تجربه نشان داده است که کمونیستها در همان گام های نخستین خود باید از جهانبینی کمونیستی حرکت کنند و اصل اساسی ماتریالیسم دیالکتیکی را در سرلوحه کار قرار دهند : توده ها سازنده تاریخند. اتحاد بزرگ و عظیم توده های وسیع مردم . امروز ما در ایران یکی از جنبش های وسیع و متشکل توده ای با تنوع زیاد داریم. از صف محصلین تا صف معلمان ، از

تشکلهای شاعران و نویسندگان تا نهادهای همبستگی با زلزله زدگان ، از بازنشستگان تا بیکاران . خیزش عظیم زنان چنان قدرت مقاومتی را بوجود آورده که همه جا زنان پیشاپیش مبارزات قرار دارند. زنان هفت تپه انسان را به یاد رشادت کارگران قیام کمون پاریس و اعتصاب زنان شیکاگو می اندازد. توده ها آزادی ، نان ، کار ، اداره شورایی و استقلال می خواهند. درست در این جبهه است که توده های عظیم مردم طبقه کارگر و حزب سیاسی آنها در عمل محک می زند و آزمایش می کند. در اوضاع کنونی بورژوازی و خرده بورژوازی ایران انواع بدیل ها را برای کسب قدرت مطرح کرده اند و با توجه به امکانات مالی و پشتیبانی دستگاه های امنیتی کشور های امپریالیستی توده ها دقیق نمی دانند کدام یک از این بدیل ها پس از براندازی رژیم اسلامی به سود آنها است. هنوز بخاطر اینکه مبارزات طبقه کارگر پراکنده و اساسن روی در خواست های مشخص صنفی است نمی توان از یک مشی کارگری بعنوان بدیل سیاسی برای انقلاب کردن حرف زد. بدون رشد و تکامل جنبش کارگری و بویژه ایجاد پیوند جنبش پراکنده ی چپ و کمونیستی با مبارزات جاری طبقاتی و ارتقا سطح آن به سطح یک بدیل سیاسی انقلابی نمی توان به پیروزی بدیل چپ اطمینان یافت.

بر ماست یکی شویم
بر ماست تا آخر از بسط و گسترش تشکلات کارگری دفاع کنیم
بر ماست برای ایجاد وسیع ترین نیروهای توده ای مبارزه کنیم

محسن رضوانی



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضا و توده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی ، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

کارگران همه کشورها متحد شوید



در جنبش جهانی... بقیه از صفحه آخر

خود نیستند، تأثیر نخواهد داشت و هر گونه سرکوب و ارباب، از جانب طبقه کارگر و جنبش کارگری جهانی به شدت محکوم است. ما کارگران در ایران، مشکلات گسترده زندگی روزانه در چهارچوب سیستم سرمایه داری و منجمه سیاست های ضد کارگری و ریاضت اقتصادی اعم از خصوصی سازی و اخراج کارگران، سیاست های ضد محیط زیست و مقروض کردن هر روزه و بیش از پیش اکثریت آحاد جامعه به بانک ها و موسسات مالی را به خوبی درک می کنیم و نیز می دانیم که در این اوضاع، تامین مایحتاج زندگی روزانه تا چه اندازه دشوار و غالباً ناممکن است. در حالی که درصد بسیار کوچکی بخش عمده و اساسی ثروت جهان را در اختیار داشته و صاحب ثروتهای نجومی شده اند، کارگران و مردم زحمتکش هر روز تهیدست تر شده و حتی امکان تامین ابتدایی ترین نیازهای زندگیشان را نیز از دست داده اند. کارگران و زحمتکشان از فرانسه تا ایران، از آمریکا تا آفریقای جنوبی، از کلمبیا تا فلسطین خواهان تضمین زندگی مناسب و درخور برای خانواده و فرزندان خود در همه زمینه ها هستند. ما کارگران و انسانهای ستم دیده جهان، در مقابل دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری جهانی و سیاستهای - ضدکارگری، ریاضت کشی اقتصادی، اقدامات و سیاست های سرکوبگرانه، جنگ طلبانه و ضد انسانی آنها، راهی جز همبستگی طبقاتی و انسانی و رای مرزها نداریم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، با کارگران و زحمتکشان مبارز فرانسه، همبستگی کامل داشته و از صمیم قلب، از جنبش کارگری و طبقاتی که علیه سرمایه داری و برای یک زندگی بهتر مبارزه می کند، حمایت می کند. کارگران و زحمتکشان فرانسه! همانطور که شما عزیزان، همواره حامی و یاور ما بوده اید، ما نیز در این مصاف های طبقاتی همراه و حامی شما هستیم.

زنده باد همبستگی طبقاتی جنبش جهانی کارگری

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۷ دسامبر ۲۰۱۸

آیا ما ... بقیه از صفحه آخر

«آشفته گی کامل» و «کاملاً خل» خواند، و ادعا کرد که مولر و بازجویان او «فریاد می زنند و جار می زنند» که پاسخ هایی را که می خواهند بدست آورند. او کسانی را که در این تحقیقات و کاوش گری درگیر بودند «یک رسوائی برای ملت ما» خواند. او بارها و بارها از مطبوعات تحت عنوان «دشمن مردم» انتقاد سخت کرده، و مطبوعات را تحقیر، مسخره و بی احترامی به گزارشگران در موقع کنفرانس های مطبوعاتی و از لغو مجوز مطبوعات کاخ سفید از خبرنگار سی ان ان دفاع کرد. او و خانواده اش بطور آشکار از مقام ریاست جمهوری برای خود غنی سازی استفاده می کنند، اغلب با کسانی که در پارلمان تبلیغ می کنند (لایبست) و مقامات خارجی را به هتل ترامپ و دوره های گولف هدایت می کند. او نیروهای نظامی را در امتداد مرز جنوبی به منظور جلوگیری از «تهاجم» مهاجران گسیل کرده است. معهذاً، تلاش برای اخراج مولر و متوقف کردن تحقیقات، قانون اساسی را به عنوان یک سند عملی معدوم می سازد. از سوی کسانی که اعتراض می کنند، آخرین نفسی ست که برای آنها وجود دارد. ما مطمئن نیستیم که موفق شویم.

بحران بالقوه ای که ملت با آن روبروست بسیار جدی تر از آن چیزی ست که در زمانی که معلوم شد ریچارد نیکسون، رئیس جمهور آمریکا بود که در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۲، با بودجه و تامین مالی دست به سرقت از ستاد مرکزی کمیته ملی دموکرات در مجتمع واترگیت در واشنگتن زده بود. (دروغ بزرگ نیکسون در مورد بمب باران مخفی کامبوج، که از ۱۸ مارس ۱۹۶۹ تا ۲۶ می ۱۹۷۰ رخ داد، و بیش از نیم میلیون نفر کشته بر جای گذاشت، درست همانند تمام جنایات امپراتوری بود، هرگز رسماً به این جنایات خطاب نشد و هرگز در اسناد محکومیت به این جنایات کوچکترین اشاره ای نیز نشد.) مؤسسه ای که با دفاع از دموکراسی و حاکمیت قانون بکار گمارده شده بودند، در طول بحران قانون اساسی در زمان نیکسون قوی تر بودند: جمهوری خواهانی در کنگره بودند که خواستار ننگ داشتن رئیس جمهور برای پاسخگوئی به قانون (قانون بورژوازی) بودند؛ دادگاه ها مستقل بودند؛ مطبوعات از اعتبار گسترده ای نسبت به حال حاضر برخوردار بود. علاوه براین، رئیس جمهور با عقب نشینی در برابر مردم، آشکارا با یورش اتهامات

مواجه شد. ترامپ، با فاکس نیوز، با عملی همانند یک بلندگو به منظور گفتگوهای نفرت انگیز خود و تئوریهای توطئه، تجمعاتی برگزار شده مانند نورمبرگ در سراسر کشور، برای آماده کردن تقریباً ۴۰ درصد از مردم که به او وفادار باقی می مانند، به نیروهای شوک زده تبدیل شوند. پیروان او پر از نفرت و خشم شدند برای اینکه نخبگان به آنها خیانت کردند. آنها برای گرفتن انتقام مشتاق هستند. آنها در یک جهان مبتنی بر واقعیت زندگی نمی کنند. و آنها لبریز از سلاح هستند.

اختلاف در واشنگتن با گزارشی که ترامپ در تلاش برای وادار کردن رابرت مولر، دادستان ویژه به استعفا است افزایش می یابد «ترامپ می داند هنگامیکه دموکرات ها کنترل مجلس را بدست آورند، آنها می توانند احضاریه در مورد سوابق دولت او صادر کنند»، اظهاراتی ست که رالف نیدر زمانی که تلفنی با من در ایالت کانائیکت صحبت می کرد انجام داد. «او قصد دارد تا این کار را ادامه دهد، حتی اگر جرعه بحران قانون اساسی کار را بجای باریک بکشد، مادامی که جمهوریخواهان کنترل سنا را در اختیار دارند. در این جا کمی تردید وجود دارد که همه این اختلافات قبل از تعطیلات کریسمس به سرانجام رسد. متأسفانه از جانب مولر، احضاریه ای برای رئیس جمهوری که می تواند از او محافظت کند صادر نکرده. اگر او یک احضاریه صادر می کرد، که او حق دارد هرچه زودتر انجام دهد، به ویژه پس از اینکه در ساعت ها مذاکرات خصوصی برای کسب اطلاعات از رئیس جمهور از او جلوگیری به عمل آمد، او محافظت خواهد شد. وقتی که یک احضاریه صادر شود، قوانین زیادی در کنار شماست. اگر ترامپ با احضاریه با ضدیت برخورد کند، او با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد. اما، مختصر تر از احضاریه، این تنها یک جلو گرد و عقب گرد سیاسی است. با صادر نکردن احضاریه، مولر در مقابل وتیکر و ترامپ بیشتر آسیب پذیر خواهد بود.»

تا کنون هیچ اشاره ای از اتهامات جنائی تحقیق در مورد مولر و یا دادخواست (وعده مشروط) مجرم توسط شرکای ترامپ که در جریان کمپین انتخابات ۲۰۱۶ ریاست جمهوری، ترامپ با روسیه تباری کرده است، نشده است. پال منافورت، رئیس پیشین کمپین ترامپ، در هشت مورد از ۱۸ مورد محکوم شده بود که مولر علیه وی صادر کرد، اما هیچ کدام از جنایات اش ارتباطی با انتخابات ریاست جمهوری



از خواست های مترقی جنبش اعتراضی فرانسه به دفاع برخیزیم



به اندازه کافی فرصت بدهد برای انجام کودتا علیه قانون اساسی و تحکیم قدرت خود. زوال و پوسیدگی مؤسسات دموکراتیک ما، از جمله مطبوعات شرکت های چند ملیتی عظیم که طبقه کارگر و فقرا را کاملاً نامرئی نشان می دهد و به عنوان توجیه گر و مدافع شرکت های غول پیکر عمل می کند، توسط بسیاری از جمهوری خواهان ترامپ مورد تنفر قرار گرفته است. ترامپ می تواند طرفداران فرقه گرا و افراطی خود را، در سیستم اعتقادی غیر مبتنی بر واقعیت صف آرایی کند، تا به باقی ماندن آخرین زره از حمایت های دموکراتیک ما حمله و تخریب کند. رالف نیدر هشدار داد: « ما کمبود بسیار عظیمی برای آمادگی از جانب حوزه های هیئت مؤسسان از قبیل گروه های مدنی، حرفه حقوقی، جامعه کارگری و دانشگاه ها برای مقابله با کسی که از منابع و قدرت بیش از حد خود سوء استفاده می کند داریم. » « هیچ کس نمی داند چگونه دقیقاً، چطور بی رحمانه بطور استراتژیکی و تاکتیکی مثل دونالد جی ترامپ حيله گری کند. »

۱ - یک هیئت منصفه، به طور معمول از بیست و سه هیئت منصفه، انتخاب شده برای بررسی اعتبار اتهام قبل از محاکمه



اجلاس جی ۲۰ بقیه از صفحه آخر

نفره، سعی به یارگیری و حل مشکلات فی مابین می نمایند. این اجلاسی برای قدرت نمایی سیاسی، اقتصادی است. برخلاف سال ۲۰۰۸ که جی ۲۰ برای جلوگیری از بحران های سرمایه داری ایجاد شد نه نتوانست به این خواست پایه ای خود برسد بلکه بحران ها را در اشکال مختلفی به گردن مردم جهان و عمدتاً کارگران و زحمتکشان وا نهاده اند. در طی ۲۰ سال گذشته اختلاف بین کشورهای غنی و

های خود عادت داده است. شما می بایست در گزارش مولر سطح بالاتری از مطالب مهیج داشته باشید تا سطح آموخته هایی را که مردم به آنها خوی گرفته اند نقض کنند. »

ترامپ قدرت عفو ریاست جمهوری را به عهده دارد و پیشنهاد کرده است که می تواند از آن برای بخشیدن بستگان و خودش استفاده کند. هیچ تقدم (یا مسبوق به سابقه) قانونی برای چنین عفو وجود ندارد، اما دیوان عالی احتمالاً هر گونه تفسیر قانونی جدیدی را که کاخ سفید از آن استفاده می کند، حمایت خواهد کرد. ترامپ هم چنین می تواند با شروع یک جنگ دیگر، توجه مردم را از انحطاط سیاسی خود و دولتش منحرف کند. رالف نیدر می گوید: « امکان دارد که ترامپ سعی کند با شروع عملیات خصمانه در خارج از کشور خود را حفظ کند. » او به ویژه از این جهت به دلیل بی ثباتی های روانی فوق العاده و ویری (اظهار نظر بدون پیش اندیشی) بودن تمایل به انجام این کار نشان خواهد داد. او هم چنین دارای یک نفس بزرگداشتی ست که به او اجازه زندگی در یک دنیای فانتزی می دهد. علائم نشان می دهد که او در حال برنامه ریزی این حرکت است، حرکتی که او می تواند انجام دهد، اگر همه گزینه های دیگر را برای ادامه شغل رئیس جمهوری را از دست دهد و مجدداً نتواند انتخاب شود، اگر او رئیس ستاد، جان کلی و وزیر دفاع، جیمز متیس را با دو دیوانه جنگ افروز جایگزین کند، خواهد بود. او دو دیوانه جنگ افروز دارد که خواهان جایگزینی هستند و علاقمند هستند که این اتفاق بیفتد. یکی جان بولتن، مشاور امنیت ملی او، و دیگری وزیر امور خارجه، مایک پامپئو است. بولتن و پامپئو دیدگاه های مشابه در مورد استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور و نادیده گرفتن قانون اساسی، محدودیت های معاهده و قانونی دارند. آنها خواهان عزل جان کلی و متیس می باشند. پامپئو، فارق تحصیل و ست پوینت، جاه طلبانه مشتاق گرفتن شغل وزیر دفاع می باشد. اگر شما جان کلی و متیس را با جایگزینی چنین جنگ افروزی مشاهده کنید، این حرکت ممکن است کارت نهائی ترامپ را نشان دهد. او می تواند از جنگ برای خفه کردم اپوزسیون مخالف و اختلاف عقیده داشتن، تحت نام حمایت از نیروهای نظامی استفاده کند. »

برای ترامپ چند هفته بیشتر باقی نمانده قبل از اینکه دموکرات ها اکثریت را در مجلس قصب کنند. این چند هفته ممکن است به او

و نفوذ روسیه نداشت. جنایات مالی پال منافورت شامل تعداد پنج تقلب مالی و دیگری پنهان کردن حساب بانکی خارجی و دو مورد تقلب بانکی است. این جنایات قبل از کمپین ترامپ صورت گرفته است. رک گیتس، معاون رئیس کمپین پیشین، به خاطر توطئه علیه ایالات متحده و اظهارات دروغین در دادگاه اتهام خود را قبول کرد. جورج پاپادوپولوس ۱۴ روز در زندان برای دروغ گفتن به اف بی آی گذراند. مایکل کوهن، یک زمانی وکیل مدافع ترامپ، به خاطر کمک های غیر قانونی کمپین با پرداخت هزینه پولی به هنر پیشه زن پورنو، استفانی کلیفورت، معروف به دانیلز طوفانی، و به مدل پلی بوی، کارن مک دوگال، به اتهام خود در دادگاه اقرار کرد. کوهن به دلیل محکومیت، روز ۱۲ دسامبر در دادگاه منطقه ای ایالات متحده در منهتن به اتهام گریز از پرداخت مالیات، بیانیه های دروغین به بانک و در دو مورد تخلف در کمپین، به نظر می رسد با بازجویی همکاری کند، مانند بسیاری از کسانی که تحت تعقیب قانونی قرار گرفته اند. در ماه فوریه گذشته مولر ۱۳ نفر روسی و ۳ نهاد روسی را به اتهام دخالت در انتخابات ۲۰۱۶ در ایالات متحده محکوم کرد اتهاماتی که من شک دارم بدون مدرک واضح و روشن بتواند صورت گیرد، اما این اتهامات هنوز به نظر نمی رسد که کمپین ترامپ را بطور مستقیم به روسیه در یک عمل تئانی پیوند دهد. شاید اعلام جرم مورد انتظار راجر استون، که گفته بود او انتظار دارد به اتهام « دادن اطلاعات غلط به وکیل ویژه یا به یکی دیگر از گرند جوری ها » (۱)، ترامپ و روسیه را بهم وصل خواهد کرد، اما تا بحال، تحقیقات در مورد مولر به نظر می رسد بر جنایات مالی تمرکز دارد، که به نظر می رسد شایعی ست در سازمان کسب و کار ترامپ و در میان شرکای ترامپ. با این حال سؤال برانگیز است که آیا جرایم مالی برای توجیه جریان عمل احضار دادگاه کافی خواهد بود. ترامپ می گوید که او به سوالات نوشته شده ای که از تیم مولر باو داده شده است پاسخ داده و قول داده است که در این هفته آنها را تحویل دهد. رالف نیدر می گوید: « ترامپ در یک جنبه یا ویژگی از یک وضعیت مشکل خود یا چیز دیگر قرار دارد » او عموم مردم را به انواع رسوایی ها، زبان بد، اتهامات، اعترافات، آزار و اذیت زنان، افتخار و خودستایی در مورد آنها، دروغ در مورد کسب و کار خود، و پنهان نگه داشتن مالیات



فقر بیشتر شده است. اختلاف طبقاتی در جوامع بیداد می کند و فاصله طبقاتی نه هر سال بلکه هر روز گسترش می یابد. مقایسه آمارهای بین المللی حاکی از آن است که کشورهای جهان سوم در عرصه های گوناگون اقتصادی، نظامی، صنعتی، تحقیقات و فن آوری، و مناسبات اجتماعی از کشورهای متروپل سرمایه داری بیشتر عقب افتاده اند.

تعداد انحصارات هر روز با ادغام و یا همکاری و شراکت کمتر و بزرگتر می شوند و در حال حاضر تعداد شرکت های فراملی سرمایه داری که بر بسیاری از نهادهای مالی در سطح ملی و بین المللی، کنترل بلامنازع دارند بسیار کمتر از ۲۰ سال پیش است. سود های حیرت انگیز و افسانه ای که این شرکت ها سالیانه بدست می آورند حکایت از غارت بدون حساب و کتاب منابع طبیعی و انسانی در تمامی کشورهای سرمایه داری است. آنچه که جی ۲۰ نمی تواند از آن بگریزد روند تکامل سرمایه داری بسوی گلوبالیزاسیون از یک سو و انتگره شدن اقتصاد جهانی از سوی دیگر است. امروز دیگر آمریکا که زمانی خواهان اجرای مقررات سازمان تجارت جهانی به مفهوم عدم حمایت گرایی از صنایع داخلی بود گذشته است، ترامپ با شعار اول آمریکا حمایت از صنایع داخلی و منافع کمپانی های آمریکائی را سرلوحه رقابت سرمایه داری در سطح جهانی کرده است. لیبرالیسم اقتصادی که زمانی شعار سرمایه داری گلوبال بعد از سقوط بلوک شرق بود، حتی در شعارها هم رنگ باخته است دیگر کسی از حقوق بشر و دموکراسی مگر برای فشارهای سیاسی صحبتی نمی کند. جی ۲۰ در بحران سرمایه داری چهره از صورتک های رهبران جهان سرمایه داری برداشته است. روشن است سیاست های جناح های قدرتمند سرمایه داری در سطح جهانی متفاوت است، چین بر رقابت اقتصادی و دوری از درگیری های سیاسی نظامی تاکید دارد، روسیه به دنبال بازار اوروسیا و جلوگیری از نفوذ نظامی ناتو و آمریکا به مرزهای خود و کشورهای همسایه اش است، اروپا به دنبال تشکیل ارتش اروپایی و چیدن دم آمریکا از اروپا و انفراد نظامی آمریکا در اروپا و بویژه اروپای شرقی است و آمریکا به دنبال بازگشت به وضعیت و قدرت دهه ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم است که سرکردگی امپریالیست های جهان را یکد می کشید. رقابت افسار گسیخته کنونی برای کسب هژمونی است

اضافی، سود و رقابت تشکیل می دهد. دارودسته های مختلف امپریالیستی در جی ۲۰ جدا از هر تعریفی که برای حکومت، کشور و نظام اجتماعی خود قائل هستند. اما چهار نعل در خدمت سرمایه داری و برای "رشد" سرمایه داری "خودی" و ضعیف و یا از میدان بدرکردن رقیب می تازند. آیا جی ۲۰ قادر به تنظیم بازار زیر رقابت های افسار گسیخته برای کنترل بازارهای جهان است. این وظیفه ای است که تنها بصورت سمبلیک برای جی ۲۰ تعریف شده است. از سال ۲۰۰۸ که جی ۲۰ تاسیس شده است هر سال که می گذرد تنظیم بازار و یا بهتر بگویم تقسیم بازارهای جهان بین دول معظم از اتاق های گفتگوهای بین المللی به عرصه، درگیرهای نظامی، جاسوسی، خرابکاری، عملیات تروریستی و تهاجمات سایبری و دزدی های تکنولوژیکی گذر کرده است. با اینحال آمارهای زیر به برخی از نتایج عینی عملکرد کشورهای جی ۲۰ در سطح جهانی ارتباط دارد سایت اندازه گیری جهان که یک سایت آماری است:

مقدار جنگل های از بین رفته جهان در امسال را ۴,۸ میلیون هکتار و زمین های زراعی از بین رفته به دلیل فرسایش خاک در امسال را ۶,۴ میلیون هکتار تخمین زده است افراد دچار سوء تغذیه ۸۳۲ میلیون نفر تقریباً ۹ درصد مردم جهان و یا افراد بدون دسترسی به آب آشامیدنی سالم ۸۶۲ میلیون نفر (همان سایت ۲۰۱۸/۱۲/۴)

طبق این گزارش شمار گرسنگان یک سال

و آمریکا همچنان تلاش دارد در سیاستهای کلان نظامی جهانی سرکردگی خود را حفظ کند. اول آمریکا درست در خدمت چنین سیاستی است. اوضاع کنونی جهان را هرج و مرج ناشی از بحران ساختاری سرمایه داری تشکیل می دهد. این بحران است که بر کلیه سیاست ها سایه انداخته و نقش تعیین کننده را دارد. هر حکومتی تلاش می کند سیاست خود را اعمال کند.

رشد درصد بیکاری، کاهش درآمدها، تشدید نظامی گیری و سرمایه گذاری های سرسام آوردر رشته های نظامی، کاهش خدمات اجتماعی از آموزش و پرورش تا بهداشت، مسکن و.... تمرکز ثروت در دست عده معدود تری از شرکت ها و افراد، رشد سریع آوارگان و پناهندگان در سرتاسر کره خاکی، رشد گرسنگی و مرگ و میر ناشی از آن، ویرانی و آلودگی طبیعت و محیط زیست، تشدید درگیری های نظامی، اشغال گری، پشت کردن به "قوانین بین المللی"، دخالت آشکار در امور داخلی کشورهای ضعیف. رشد تولید و مصرف مواد مخدر، عقب راندن حقوق اولیه انسانی در اکثر کشورها، کاهش حقوق زنان و دیگر کارگران و زحمتکشان جامعه، کاهش بودجه های عمرانی و رشد بودجه های نظامی و خارجی، اگر نگاهی کوتاه به یک به یک موارد بالا بیاندازیم متوجه می شویم که ارتباط ناگسستگی بین همه موارد بالا وجود دارد که ناشی از وجود یک سیستم اجتماعی است. سیستم اجتماعی که حرکت آنرا ارزش

بزرگترین ثروتمندان آلمان

فاصله ثروت	تعداد ثروتمندان	ثروت به میلیارد یورو
از ۳۹,۵۰ تا ۱۰ میلیارد یورو	11	212,96
کمتر از ۱۰ تا ۶ میلیارد یورو	15	110,2
کمتر از ۶ تا ۲ میلیارد	69	222,05
کمتر از ۲ تا ۱ میلیارد یورو	92	118,35
کمتر از ۱ میلیارد یورو تا ۱۴۰ میلیون یورو	792	298,34
جمع کل	979	961,90

سال ۲۰۱۸ - Bilanz مأخذ: نشریه

کارگران همه کشورها متحد شوید



امروز در هفت تپه ، فولاد اهواز و فرانسه نبرد را در خیابان ها علیه آنها آغاز کرده اند. نبردی با شکوه ، خشن ، ولی رهائیبخش از نظام سلطه و ستم و استثمار

ع.غ



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

۱۵ کشور جهان در سال ۲۰۱۷ میلادی و مقایسه آنها با هزینه های سلاهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۵ به شرح زیر است

در این آمار به وضوح دیده می شود که کشورهای عضو جی ۲۰ اکثرا قدرت های بزرگ نظامی هم هستند و در رقابت های نظامی جهانی در تولید و خرید سلاح های نقش های درجه اول را بازی می کنند. شرکت های وابسته به این قدرت ها هم در ویرانی محیط زیست و هم در ایجاد فقر در سطح جهان و دیگر بلایای اجتماعی بیشترین تاثیر را داشته اند. جهان کنونی را کشورهایی تشکیل می دهند که اکثریت جمعیت شان کارگران و زحمتکشان جامعه و تولید کننده آن هستند. تصمیمات جی ۲۰ و نزاع های داخلی آن بر سر کسب سود بیشتر در واقع بر سر نیروی کار کارگران و تولید کننده گان جهان است. نزاع آنها بر سر غارت و فوق سود از قبل کار کارگران جهان است. اما این تنها یک جانب قضیه است. کارگران و همه ستمدیدگان جهان به این سیاست های با دیده نفرت می نگرند آنها در همه جا به شیوه های مختلف علیه جی ۲۰ در یک نزاع بر سر نظم نوینی جهانی هستند. نظمی بر پایه احتیاج انسانی و یا بهره کشی ، جی ۲۰ نشان داده است که در طی این سالها جهان را به طرف بربریت سوق داده است . اما رزمندگان راه عدالت اجتماعی و سوسیالیسم

قبلتر ۸۰۴ میلیون نفر بوده است. گزارش سازمان ملل می گوید "۲۲ درصد تمامی کودکان زیر پنج سال جهان یعنی ۱۵۱ میلیون کودک، به دلیل گرسنگی از رشد کافی برخوردار نیستند". (دوچه وله)

سایت برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد آماری از گرسنگان جهان آورده است که ما فقط دو نکته آنرا می آوریم :

- ۸۷۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی برای خوردن ندارند که این تعداد از سال ۱۹۹۰ ، ۱۳۰۰ میلیون کاسته شده اما پس از سال ۲۰۰۸ کاهش تعداد گرسنگان روند کندی داشته است. منبع: State of Food Insecurity in the World, FAO ۲۰۱۲
- تعداد زیادی از این گرسنگان (۹۸ درصد) در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند، جایی که ۱۵ درصد جمعیت آن دچار کمبود تغذیه ای می باشند
- به زنان بطور متوسط در جهان ۲۳ درصد حقوق کمتر از مردان پرداخت می شود
- رادیو فردا از قول موسسه بین المللی تحقیقات استراتژیک لندن می نویسد
- بر پایه کتاب موازنه نظامی سال ۲۰۱۸ ، آمریکا به روال سال های گذشته در صدر جدول رتبه بندی هزینه های نظامی جهان قرار دارد. هزینه های نظامی

رتبه سال ۲۰۱۷	کشور	هزینه ۲۰۱۷ به میلیارد دلار	هزینه ۲۰۱۶ (جهت مقایسه)	هزینه ۲۰۱۵ (جهت مقایسه)
۱	آمریکا	۶۰۲٫۸	۶۰۴٫۵	۵۹۷٫۵
۲	چین	۱۵۰٫۵	۱۴۵٫۰	۱۴۵٫۸
۳	عربستان سعودی	۷۶٫۷	۵۶٫۹	۸۱٫۹
۴	روسیه	۶۱٫۲	۵۸٫۹	۶۵٫۶
۵	هند	۵۲٫۵	۵۱٫۱	۴۸٫۰
۶	بریتانیا	۵۰٫۷	۵۲٫۵	۵۶٫۲
۷	فرانسه	۴۸٫۶	۴۷٫۲	۴۶٫۸
۸	ژاپن	۴۶٫۰	۴۷٫۳	۴۱٫۰
۹	آلمان	۴۱٫۷	۳۸٫۳	۳۶٫۷
۱۰	کره جنوبی	۳۵٫۷	۳۳٫۸	۳۳٫۵
۱۱	برزیل	۲۹٫۴	۲۳٫۵	۲۴٫۳
۱۲	استرالیا	۲۵٫۰	۲۴٫۲	۲۲٫۸
۱۳	ایتالیا	۲۲٫۹	۲۲٫۳	۲۱٫۶
۱۴	اسرائیل	۲۱٫۶	۱۹٫۰	۱۸٫۶
۱۵	عراق	۱۹٫۴	۱۸٫۱	۲۱٫۱



در جنبش جهانی کارگری

اعلام حمایت از جنبش اعتراضی در فرانسه علیه سیاست های ضد کارگری و ریاضت اقتصادی

جهان از چند هفته پیش، شاهد مبارزه ی بخشی از کارگران، مزدبگیران و تهیدستان فرانسه علیه گرانی، ریاضت اقتصادی و در کل توحش سیاست های سرمایه دارانه و ضد کارگری دولت بوده است. زنان و مردان، علیه قوانینی برخاسته اند که از منافع شرکتهای سرمایه داری و ثرتمندان دفاع کرده و زندگی مزدبگیران، به ویژه

کارگران، بازنشستگان، بیکاران و ... را وخیم تر کرده است

با وجود بکارگیری پلیس و نیروهای ضدشورش علیه معترضین و ضرب و شتم و بازداشت صدها معترض به خصوص حامیان جنبش "جلیقه های زرد"، عقب نشینی نسبی دولت فرانسه تا همینجا نیز نشان داده است که طبقه کارگر و مردم زحمتکش سلاحی به جز سازماندهی و اعتراض برای مطالبات عدالت خواهانه و برابری طلبانه ندارند. واضح است که تصمیمات

و سیاست های موقتی و مُسکن گونه دولت سرمایه داری ماکرون راه به جایی نخواهد برد و کارگران و تهیدستان چاره ای جز ادامه مبارزه طبقاتی و تشکل یابی ندارند. معترضین نشان داده اند، در حالی که فرانسه جزو کشورهای ثروتمند جهان است و اکثریت جامعه کمترین بهره از این ثروت ها را دارد، هیچ چیز به جز تغییراتی بنیادی، برای آنها قابل قبول نخواهد بود. نه اختناق، نه هراس و نه رعب، بر مردمی که قادر به تامین یک زندگی شرافتمند از قبل دستمزد

آیا ما با بزرگترین بحران قانون اساسی داریم مواجه می شویم؟

جائیکه حاکمیت قانون بورژوازی هم دیگر وجود ندارد و رئیس جمهور یک حاکم مطلق خواهد شد.

ترامپ از زمان ریاست جمهوری تا بحال، قانون اساسی را دست انداخته است. او با اخراج رئیس اف بی آی، جیمز کومی و جف سشنز، دادستان کل، و جایگزین سشنز با حامی خود، متیو ویناکر، مانع عدالت شده.

رئیس جمهور بطور مرتب تحقیقات در مورد مولر را مسخره می کند و به رهبرش توهین می کند. در هفته گذشته، او در یک توثیت اینترنتی تحقیقات را « صید جادوگر »، یک

ترامپ را به چالش خواهند کشید. دیوان عالی، که آخرین قاضی در هر چالش قانونی نسبت به پرزیدنت می باشد، احتمالاً به وی اعتراض نخواهد کرد. پیروان کور کورانه او، که شاید ۴۰ میلیون آمریکائی باشند، مشتاقانه با انتقاد از نهاد های دموکراتیک و تحریکات خشونت علیه مطبوعات، رهبری حزب دموکرات، منتقدان وی و همه کسانی که در اعتراض به خیابان ها می آیند، پاسخ خواهند داد. اگر ترامپ این کارت را بازی کند، ایالات متحده تا کریسمس، می تواند به یک دولت مستبد تمام عیار تبدیل شود،

توجه کنید به فساد درونی سیستم سرمایه داری گندیده

توسط کریس هجز، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۸

Truthdig-

قبل از این کنگره علیل و ناتوان که به ماه دسامبر موکول می شود، ما می توانیم با بزرگترین بحران قانون اساسی در تاریخ جمهوری مواجه شویم اگر دونالد ترامپ قصد جلوگیری از تحقیق مشاور ویژه از رابرت اس مولر داشته باشد.

حزب جمهوریخواه سست و خم شده، که هنوز تحت کنترل سنا و مجلس می باشد، احتمالاً

اجلاس جی ۲۰

کننده سعی می کند به کارش پایان دهد و بطور خوشبینانه سر مردم دنیا کلاه بگذارد و رقابت های پشت پرده و افسار گسیخته گروه بندی های سرمایه داری امپریالیستی را از چشم مردم جهان بپوشاند. اما هر سالی که می گذرد و رقابت های بین المللی تشدید می شود. بر طبق منافع دوستان به دشمنان و دشمنان به دوستان یکدیگر تبدیل می شوند. از رهبران کشورهای امپریالیستی تا سرمایه داری کوچکتر با ملاقات های دو و یا چند

برای تحکیم موقعیت و سلطه و هژمونی طلبی بصورت بسیار " متمدنانه " به گفتگو نشستند. چند نکته مرکزی گفتگوها و اجلاس امسال را تحت تاثیر قرار داد. مسئله محیط زیست و خارج شدن آمریکا از قرار داد پاریس، رقابت و مسئله جنگ تجاری بین آمریکا و چین، لغو دیداری ترامپ و پوتین به خاطر مسئله کشتی های اوکرائین، مسئله خاشاچی و مناسبات با عربستان، این اجلاس معمولاً با اطلاعاتی های امیدوار

در روزهای ۳۰ و ۳۱ نوامبر اجلاس سالیانه جی ۲۰ در بوئینس آیرس پایتخت آرژانتین در دایره همیشگی این اجلاس یعنی رقابت و برتری طلبی و سهم خواهی بیشتر از بازارهای جهانی در محیط آکنده از سوء ظن و و ظاهراً برای تصمیم گیری راجع به آینده اقتصاد و امنیت جهان برگزار شد. چانه زنی جناح های مختلف سرمایه داری و امپریالیستی نه آنطور که مدیاهای مزدبگیر می گویند برای تشریک مساعی، بلکه

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar

P.O.Box 5910

Washington DC

20016

U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.org@gmail.com

آدرس غُرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org